

دیوان حافظ

بر اساس نسخ علامہ محمد تسنیر مینی و دو کتر قاسم غنی

خوشنویسی: حسن بلالی تهرانی

انتشارات صد

برشته‌نامه : حفظ ، شمس الدین محمد ، ۱۶۹۲ ق . عنوان قزوین نادری : دیوان

عنوان و نام پدیدآور : دیوان حفظ : بر اساس نسخه علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی اخوانشویس
حسن ملکی تهرانی ، تهران : محمد رضا شهبازی ،

مطبوعات نشر : تهران : سده ، ۱۳۹۰ ، مطبوعات قاجاری : ۳۴۸ ص . ۱۷۵۱۱ ص ۲ .

شماره : 7-10-7338-964-578 ۵۰۰۰ ريال

موضوع : شعر فارسی - قرن ۸ ق .

شماره خزانه : ۱۱ : اقزونی ، محمد ، ۱۶۵۶ - ۱۶۶۸ ، مکتوب

شماره خزانه : غنی ، قاسم ، ۱۶۷۲ - ۱۶۸۱ ، مکتوب

شماره خزانه : ملکی تهرانی ، حسن ، خطی ، شماره خزانه : ۵۵ : شهبازی ، محمد رضا ، ۱۳۴۸ .

رده بندی کتبی : ج ۱ ، ۱۳۹۰ ، ۵۳۲۴ PDR

رده بندی دهلی : ۱۳۴ / ۸۴۸

شماره ثبت کتاب : ۱۶۹۹۱۰۱۶

دیوان حافظ

بر اساس نسخه خطی محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی

اخوانشویس : حسن ملکی تهرانی

اجرا : محمد رضا شهبازی

ناشر : انتشارات سوره

تدوینگرانی : آمانا

چاپ : تهران

صفحات : ۱۰۰

چاپ اول : ۱۳۹۰

تیراژ : ۱۱۰۰ نسخه

شابک : 7-10-7338-964-578

تهران : میدان آملاب ، خیابان ۱۳ فروردین ، خیابان شهسای زاده امری ، جنب اداره پست

کودک گرانش ، پلاک ۲ ، تلفن : ۶۶۱۵۳۱۱۸ مرکز نشر : شابک ۹۶۴-۵۱۳۲۵-۱۱۳۱۰

شعر حافظ به بیت الغزل معروف است آفرین بفرس و کفش و نعل و نمش

شمس الدین محمد حافظ بزرگترین جنس در سدهای عرفانی ایران یکی از نوایح بزرگوار عالم انسانی است
نویسنده تصدیق و یوان حافظ او را شمس الدین یا دکرده اند یکی از دیوانه های
چای حافظ شمس الدین الدین نوشته اند اهل فوق و مع فلان دی را با القاب فیل غنای
جل شیراز، لسان الغیب، خواجه فلان، خواجه شیراز، ترجمان الحقیقه، کاشف الحقایق،
ترجمان الاسرار، و ده نام دی باقی است به صاحبان تذکره محمد است و آن از
بیت ذیل نیز که از قطعه دریا رخ وفات است تأیید می شود

یکه معشای ثانی محمد حافظ از این سیرچه فانی بدار راحت
و همچنین در قطعه دیگر دریا رخ او فرید محمد شمس الدین محمد آمده. بقول از تذکره نویسان القاب
اصلی او شمس الدین است و آن از بیت ذیل نیز که از قطعه دریا رخ وفات است به تأیید
بسی جنت امسلی روان شد فرید محمد شمس الدین محمد

تخلص خواجه حافظ است او خود در مطلع اغلب غزلیات و ضمن بعضی اشعارش تخلص خود
را بکار برده است. یک غزل مرد و شب که حافظ در دیوان خواجسته است.

ز چشم بد رخ خوب ترا خدا حافظ که کردم بجهت کونی بجای ما حافظ
تعب حافظ به کسانی که قرآن را بر داشتند اطلاق می شده و خواجه شیراز نیز گفته است ای ابروایا

صبح از بر داشت خود چنین می گوید .

عقمت سده فریادگر خود لسان حافظ
قرآن از بر بخوانی با چهارده رویه
و نیز لسان العریضه خواجه شیراز کند حافظ را تخلص خویش اختیار کرد . خواجه در تفسیر قرآن نیز
دست داشته بقول نویسنده مقدمه منسوب به محمد کلنده ام بحث کشف می کرد و خود گوید
بخواه دفتر عشق را در راه صحرا گیر
چه وقت در روی بحث و کشف نشست
صاحب مجمع الفصحای تالیف تفسیری را نیز بدو نسبت میدهند . از این بیت او بر می آید که وی بر
بطون تفاسیر اطلاق داشته است .

ز حافظان جهان کس چون او جمع نکرد
لطایف حکمی بالکلمات قرآنی
نیز به شرح معتز دیوان خواجه به مطالع و مطالع و مصباح مشغول بود کتبی بسیاری بنام
و مطالع و شرح مطالع و حکمت و منطق و کلام و غیره باقی است

از خانواده خواجه اطلاعاتی دقیقی در دست نیست چه حافظ را شیخ فیاث الدین پدر و
رابعا الدین و از اهل کوپای اصفهان و برخی کمال الدین و از مردم نسیج که نوشته اند
و شغل پدر و اجداد او نیز اختلاف است . ریاض الحارثین بانایان از نعمات و فضیلتها
و تذکره یحسانه می نویسد :

شغل پدر او تجارت و صاحب ثروت و مکت بود . جد حافظ یا پدر وی از مصلحان

خود در زمان آبا بکان فارس عازم شیراز شد و در آن شهر توطن گزید .

مادر او بگفته عبدالباقی مؤلف معین از مردم کامکارزون بود و در محله دروازه کارزون
شیراز خانه و مسکن داشته پس از وفات پدر خواجه ریسر از او بجا ماند که کوچکترین آبان
نمذ بود . اکثر تذکره نویسان بطور قطع و برخی ظاهراً تولد خواجه را در شهر شیراز دانسته
در باب تاریخ تولد حافظ اختلاف است دایره المعارف بریتانیسمی نویسد : تاریخ تولد
تولد خواجه معلوم است ولی به طور قطع تولد او پیش از سال ۷۰۰ هجری (۱۳۲۰ میلادی)
نموده است .

غالباً تولد او را با قطع و ایتقین در اوایل قرن هشتم هجری دانسته اند .

حافظ به نوشته محمد کلند امیر حسن نخعی فرجام آورنده دیوانش در سال ۷۹۲ هجری
قری همان ابد رو داشته است و بنجام مرکن در حدود ۷۲ سال داشته و تمام زندگی اش
در برون آن پراشوب خون آلود حسنه انهای کم است بسیار آل انجودال منظر گذر شده است .
دایره المعارف فرانسه تولد او را در ربع اول قرن هشتم هجری نوشته فرصت عمر حافظ
را چهل و شش سال دانسته . مؤلف تذکره میخانه عصر حافظ را ۶۰ سال گفته .
حافظ به وطن خویش شیراز بسیار علاقمند بوده و در اشعار خود این علاقه را نیک
نشان داده است

شیر از آب گمی و آن باد خوش نیم
عیش مکن که خال لب بهت کشور است
فرق است از آب خنجر که طاعت جامی آید
تا آب پاک منبعش الله اکبر است
اگر چه زنده رود آب حیات است
ولی شیر از ما از اصفهان
و در عنبری شیر از راجس تو صیف کند.

خوش شیر از وضع بی مثالش
خداوند انکسار از زواش
از ایرد حافظ میفرماید است هیچ گاه شیر از آرک گوید و سفر گزیند.
من که وطن سفر گزیدم به چشم غریب ...

و علت سفر گزیدن اینهمان علاقه شیر از و زینت کاهای آن داند :
نی دیر اجازت مرا به سیر و سفر
سیم باد مضطبی و آب ز کنا باد
در باره طریقت حافظ گفتگو بسیار است که خواجہ درسی و مطلب دیگر کردان بود :
دل خو پرگار بس بود و روانی میکرد
و نذر آن دل و سر گشته پابر جا بود
جامی در نفحات الانس آرد. هر چه معلوم نیست که وی یکی از اهل تصوف است
ارادت کرده باشد اما نمائش خیال با مشرب این طایفه واقع شده است که هیچ کس
را به این اتقان نیت داده و ایرد شیر علی در مرآة الحیال. همین مطالب را آورد
است. بدایت در ریاض العارفين نوشته : جامی در نفحات الانس آورده است

که حافظ پیری نداشته و بیس! مرد محضی کی از غم فانی نذکور شد منسوب بود که :
اگر بی پیر چون حافظ توان شد . کاشش بملوی . جامی . هم پیر شد آشتی .
از اشعار حافظ چنین برمی آید که به پیری رسیده بود :

ای دلیل بگویم گشته خدا را بدد که غریب از سبب در به دلاست برود
ای آنکه در بشر مقصود برود ای زین سبب قطره ای برین خاک باغش
و حتی از پیر طریقت یاد می کند :

ضمیمه گشته یاد گیر و عمل آر که این حدیث از پیر طریقت یاد آر
در مورد وفات خواجه حافظ نیز اختلاف است . بنا بقول اشرفیات وی در سال ۷۹۲
هجری قمری اتفاق افتاده است . حافظیه نام فراد حافظ در شیراز که مردم آنجا را
بسیار حست دارند و بسم آنکه آشنای آن است مانند و هم زندان صاحب دل که از
اطراف جهان به شیرازی آیند . بعد آنجا را زیارتگاه خود می دانند . و قبر شاعر را عدد
بسیاری از قبور دیگران که در عالم خاک شرف نصابت جسمانی را با کالبه آن مرد روحا
آرزو کرده اند . احاطه کرده است و مصداق بیت او محقق یافته که می فرماید :
بر سر تربت ما چون گذری هست خواه که زیارتگر زندان جهان خواهد بود